

برای هر دو شما مفرح است.

هرچه بیشتر در آموزش فرزند خود جلو روید و کلمات چاپی بیشتری به او ارائه کنید، او سریعتر و آسانتر خواندن را خواهد آموخت. هرچه کتاب می‌توانید و بودجه‌ی شما اجازه می‌دهد برای فرزند خود بخرید، مرتباً به کتابخانه‌ی محل خودتان سر بزنید و بگذارید فرزندتان کتابی را که می‌خواهد، خود انتخاب کند.

کتابها را با عشق و شادی و به طور مکرر برای کودک خود بخوانید. اطفالی که در کودکی آنها خوب پیشرفت می‌کند آنهایی هستند که والدین آنها برایشان بیشتر کتاب بخوانند. عشق به کتاب خواندن، میراث ارزنده‌ایست که والدین به فرزند خود اعطا می‌کنند. عشق به کتاب خواندن یکی از بهترین بیمه‌نامه‌هایی است که کودک قادر خواهد بود آنرا در آینده برای خود حفظ نماید.



چگونه می‌توانید فرزند را تشویق کنید که فرد سازنده و حرفه‌ای شود

کیم چهارساله یک روز صبح در ماه نوامبر پشت حیاط منزل مشغول کردن
لجن‌ها و ریختن آنها در جعبه‌های مقوائی بود. مادرش علت را از وی
جویا شد، کیم جواب گفت این جعبه‌ها را پر می‌کنم و بعنوان کادو در
جشن کریسمس به دوستانم می‌دهم.

سپس اضافه کرد که بچه‌ها دوست دارند خود را کیف کنند و با
گل و لجن بازی کنند. هنگام عید کریسمس زمین پوشیده از برف است و
لجن هم وجود ندارد. این جعبه‌ها بهترین کادو برای آنها است.

اندی سه ساله هر وقت که بیدار است بدون وقفه سئوالات مختلفی از
مادرش می‌کند. صبح‌ها، شب کجا می‌رود؟ چرا آسمان همیشه بالای
سر ما است؟ قبل از اینکه مرا داشته باشید من کجا بودم؟ چرا من جانی
(اسم است) نیستم؟ چرا بعضی وقت‌ها باران نمی‌آید؟

تمام کودکان قبل از دبستان اطفال جوان دارای استعداد سازندگی به عالیترین حد خود می‌باشند. طبق تحقیقات زیادی که به عمل آمده به احتمال زیاد این استعدادها مواجه با تنبیه و دلسردی می‌گردد. و اطفال پس از رسیدن به دوره‌ی عالی، تازه پاسخ قسمت کوچکی از استعدادهای خود را به دست می‌آورند.

سازندگی را مربوط به قسمت معینی از اجزاء ترکیب دهنده هوش، و احتمالاً به قسمتهای متعددی از آن می‌دانند. محققین تاکنون دهها استعداد جداگانه که تواناییهای مغز را تشکیل می‌دهند کشف نموده‌اند و برآورد می‌کنند که ممکن است عوامل متعدد دیگری هم باشند که تاکنون کشف نگردیده‌اند. طبق آزمایش، نوع معمولی بهره آموزشی، فقط ۶ تا ۸ از این عناصر را اندازه‌گیری می‌کند. در سالهای اخیر روانشناسان و متخصصین تعلیم و تربیت مخصوصاً به استعداد سازندگی کودکان بیشتر علاقمند شده و این استعداد را هسته اصلی نبوغ می‌دانند. آنان عقیده دارند، افرادی که دارای چنین خصوصیتی می‌باشند سهم بیشتری در سازندگی دنیا دارا خواهند بود.

معنای سازندگی و خلاقیت خیلی از معانی استعدادهای صنعتی و موسیقی عمیقتر است. سازندگی شامل همه نوع افکار ماجراجویانه و حادثه آفرینی در تمام رشته‌ها؛ اکتشافات علمی، اختراعات، تصورات، کنجکاوی تحقیقات و غیره می‌باشد. سازندگی عبارت است از قدرت به عمل درآوردن تفکر، دیدن ارتباطات تازه و غیر منتظره بین اجسام، پیدا کردن جوابهای تازه برای مسائل و سئوالات جدیدی که افراد را به تعمق و جستجوی جوابهای آنها وادارد.

یک کودک سازنده و خلاق دارای هوش و استعداد، در عالیترین مدارج ممکنه می‌باشد، ولی ممکنست دارای بهره‌هوشی خیلی بالا که از

مناطق آموزشی مغز اندازه‌گیری می‌شود نباشد. تحقیق خلاقیت در اطفال از حد کمال دورتر است و بیشتر آن ضمن تحصیل در سالهای آموزشی آموخته می‌شود. انجام آزمایشات معتبر و صحیح از سازندگی مشکل است چه به وجود آمدن افکار جدید و راه‌حل‌های غیر صحیح انجام آنرا مقدر نمی‌سازد.

اما بیشتر محققین به نکات زیر در مورد سازندگی معتقدند:

۱- تقریباً تمام کودکان متادیر قابل ملاحظه‌ای از این توانایی را در خود دارند.

۲- سازندگی ممکن است در نتیجه تشویق، دست‌دادن موقعیتهای مناسب و آموزش، افزایش یابد.

۳- ممکن است انواع نامناسب آموزش سبب شدن یا محو این توانایی در کودک گردد.

موضوع مهمی است که والدین درک کنند چگونه سازندگی و خلاقیت را در کودکان کوچک بوجود آورند. طبق نظر دکتر پل تورنس^۱ رئیس کرسی روانشناسی دانشگاه جورجیا و متخصص سازندگی کودکان، جوانه‌های طریف سازندگی اطفال تقریباً از بدو تولد نیاز به تشویق و هدایت دارند.

دکتر تورنس می‌گوید: اگر ما ملاحظه کنیم که چگونه کودکان اجسام را گرفته و تکان می‌دهند و آنها را چرخانیده و به طرق مختلف دستکاری می‌کنند، ابتدائی‌ترین نمایش سازندگی را در آنها خواهیم دید. از آنجائی که کودک کلمات را در آن سنین نمی‌شناسد به دین لحاظ می‌تواند از طریق توانایی و قدرت خود اندکی بیاموزد از این رو به علت نیاز شخصی مقدار زیادی از چیزهائی که می‌آموزد، بایستی سازنده

باشد، به دین معنی که کودک باید از طریق احساس مشکلات و مسائل تکامل یابد. حدس بزند، مشکلات را آزموده و اصلاح کند و به طریق ناقصی که خود می داند آنها را بهم مربوط نماید.

طبق نظر دکتر تورنس و محققین دیگر، معمولاً در سن سه سالگی فعالیت سازندگی کودک افزایش می یابد و در سن چهار و چهار سال و نیمه به حداکثر خود می رسد و در سن پنج سالگی که کودک وارد کودکستان می شود، این احساس ناگهان سقوط می کند. (شاید این وضع به علت فشار آموزگار و همکلاسی ها پیش می آید) سازندگی مجدداً، به آهستگی در کلاسهای یکم، دوم و سوم بالا می رود تا آنکه در کلاس چهارم شدیداً سقوط می نماید.

علائم سازندگی در کودک که می تواند نظر شما را جلب کند چیست؟ تعدادی از محققین علائم سازندگی را به شرح زیر جمع آوری نموده اند. برای مثال: یک ضربه شدید کنجکاوی نمونه ی سازندگی در کودک است. او دوست دارد تجربه کند، حدود موقعیتها را بسنجد. به طور مداوم و طرز نافذی سؤال می کند، یا به طریقی که والدین مشغول را کسل می کند. یا آموزگار کودکستان را که پی به هوش کودک نبرده است ناراحت می نماید.

یک کودک سازنده با جواب سطحی قانع نمی شود. مخصوصاً او به جوابهایی که نمی تواند با دانسته های وی در مورد سئوالی که طرح کرده، ارتباط پیدا کند، حساسیت دارد. غالباً توضیحات مفصل و پیچیده ای برای پدیده هائی که برایش روشن نیست و آنها را نمی فهمد درست می کند.

یک کودک سازنده در مورد آنچه که می بیند، می شنود، لمس می کند و تجربه می نماید، حساسیت دارد. شما این حساسیت را نه تنها

چگونه می‌توانید فرزند ■ ۲۰۳

در عکسهائی که می‌کشد یا رنگها، بلکه، همچنین در تعجب عدم فهم او از مشکلات و مسائل افراد دیگر حس می‌کنید. او از آموختن دقیق کلمه صحیح برای یک شیء یا یک احساس با رنگ لذت می‌برد و از شرکت با افراد بالغ در این مشاهدات، که از آن اطلاع دارند، خوشحال می‌شود. از آنجائی که حساسیت تا حدودی در زنان شدت بیشتری دارد، پسری که از قدرت سازندگی و خلاقیت در سطح بالا برخوردار است کمتر از دوستان دیگرش طبع مردانگی دارد.

مانند جرقه افکار مختلفی از مغز کودک تراوش می‌کند که بعضی از آنها احمقانه و بعضی دیگر به نسبت سن وی، جالب‌اند. او غالباً جوابهای غیرعادی به سئوالات می‌دهد و راه حل‌های غیر معمول برای مسائل پیشنهاد می‌کند. او موارد استعمال غیر منتظره برای اشیاء به دست می‌آورد، مانند طفل چهار ساله‌ای که در اطاق عروسک خود نخود را برای پختن سیب زمینی به کار می‌برد یا طفل پنج ساله‌ای که برای جشن تولد پدرش، از یک لوله کاغذی خالی، یک پیچ سنگین و یک سیم دستگاه شکستن گردو درست کرده است.

تصور سازندگی یک کودک کوچک مسنو از فعالیت، شادی و خوش مزگی است. تعداد زیادی از کودکان قبل از دبستان می‌توانند این تصور زنده را تبدیل به انجام کاری سنجیده نموده و آن کار را با شادی و مسرت زیاد انجام دهند. مثلاً، مندی^۲ دختر بچه‌ی بسیار سازنده‌ای است که فقط پنج سال دارد چیزهای خوشمزه‌ای در مورد کودکستانی که می‌بایستی سپتامبر آینده آنجا برود سرهم بندی می‌کند. البته مندی می‌داند دبستان چگونه مکانی است، چرا که برادر بزرگترش آنجا را برای او معرفی کرده است. خیلی از بازیهای مدرسه را با شاگردان کلاس

اول در خیابان انجام داده است. مادرش برای وی چندین مرتبه، کتابهایی را که مدرسه هنگام ورودش به وی میدهد شرح داده و حتی خودش رفته و آنها را دیده است.

ولی مندی دوست دارد خودش چهره‌ای به تصوراتش بدهد. مثلاً او تصور می‌کند که به کود کستانی که می‌رود پسر بچه وجود ندارد، اما کود کستان دارای محلی است که او می‌تواند در، آنجا پسر بچه‌ها را ببیند. شما بایستی از آنجا کارهای پسران دیده و دنبال کنید.

در کود کستان، یک اتاق وجود دارد که پر از لباسهای عروسی است شما هر کدام را که بخواهید می‌توانید بپوشید. در آنجا اتاقی برای برگزاری جشنهای تولد وجود دارد که هر روز در آنجا به شما نان شیرینی می‌دهند و شما هر تعداد شمع که بخواهید می‌توانید روی کیک بگذارید. اتاقی هست برای عروسکها که شما آنجا با عروسکها بازی می‌کنید و اتاق دیگری است که شما آنجا اشیاء مختلف را به دیوار، روی آئینه، روی صندلیها و غیره می‌چسبانید. مندی سه ماه تمام وسائلی که بنظرش می‌رسید برای کود کستان لازم است جمع‌آوری کرد و کیف بزرگی که نام آنرا کیف کار گذارد تهیه نموده و وسایل خود را در آن قرار داد.

این خصوصیات یک کودک سازنده و خلاق است که سعی در انجام کارهایی که برایش خیلی مشکل است می‌نماید او به عوض اینکه به فکر شکست خود بیفتد، مبارزه را می‌پذیرد. دقت و تامل او در کارها زیادتر از مقتضیات سن وی می‌باشد. او برای انجام تصورات، به قدری خود را مشغول می‌کند که ممکنست به صحبت‌هایی که والدین او می‌کنند توجه نداشته باشد.

نرمش و انعطاف غیرعادی علامت دیگر یک کودک خلاق است.

چگونه می‌توانید هرزند ■ ۲۰۵

روی او به تمام افکار، نظرات و تجربیاتی که یک فرد بالغ انجام داده و برایش شرح می‌دهد، باز است. تحقیقات نشان می‌دهد که در مقایسه‌ی کودکان دیگر، یک کودک خلاق با تدبیر، تودار، از خودراضی، سرسخت، ساعی و کوشا و محکم است.

از آنجائیکه سازندگی مستلزم استقلال فکر است، از این رو، یک کودک خلاق اغلب با معنمین کودکستان، و مهد کودک، یا والدین خود، در مشاجره است. او ممکنست سایر همشاگردیهای خود را نادیده گرفته و یا اینکه از طرف همکلاسیهای خود نادیده گرفته شود. آموزگاران ممکنست او را فرد نامناسبی بدانند. بر حسب میزان فشاریکه برای تطبیق خود با اجتماع متحمل می‌شود ممکنست حتی قبل از رسیدن به کلاس اول دبستان، دچار ناراحتیهای احساسی گردد.

این درجه استقلال در یک دختر بچه، ممکن است او را بیشتر از سایر همکلاسیهایش مرد منش نماید. فشارهای فامینی و اجتماعی برای اینکه او روش زنانه‌ای را در پیش گیرد، خود دلینی است که دختر به دنبال تحصیل علوم و مهندسی، که می‌تواند در این رشته‌ها خلاقیت خود را نشان دهد، برود.

دکتر تورنس که آزمایشهای مختلف خلاقیت را در اطفال پرورانده و توسعه داده است، اغلب یک اسباب بازی را به کودک می‌دهد و از وی می‌خواهد آن را به صورت مضحک تری درآورد. او گزارش می‌دهد که دختران اغلب نسبت به کارهای علمی و فنی بی‌میلی از خود نشان می‌دهند، پسر بچه‌ها، نیز اکثراً کارهایی که مربوط به بانوان است، مانند پرستاری و غیره را رد می‌کنند.

از آنجائیکه یک کودک خلاق استقلال را دوست دارد، قوانین غیرلازم و کنترل کننده را رد می‌کند. او اغلب ترجیح می‌دهد شخصاً

روی طرح و پروژه‌های که در نظر دارد کار کند، تا آنکه روی طرح دیگری که گروهی از شاگردان کار می‌کنند با آنها همکاری نماید.

چگونه می‌توانید قدرت خلاقیت را در فرزند خود افزایش دهید؟
 گرچه هنوز تحقیقات در این مورد ادامه دارد معه‌ذا، جوابهایی را از تحقیقات انجام شده می‌توان بدست آورد. طرق پرورش خلاقیت شبیه همان روشی است که برای تقویت هوش و استعداد در فصل پیشین ذکر گردید. بدین معنی که شما می‌توانید با تحریک کودک، به دیدن، شنیدن، لمس کردن، دستکاری کردن، کشف نمودن و انجام آزمایش برای خودش، خلاقیت را در وی تقویت کنید. والدینی که با شادی و خرمی با فرزند خود صحبت می‌کنند و خیلی جدی به گفته‌های او گوش می‌دهند، به رشد خلاقیت فرزند کمک می‌کنند. همچنین والدینی که مشغول از موفقیت کودک هستند و کنجکاوی ذاتی او را تحسین می‌نمایند، در حقیقت به رشد خلاقیت کودک خود کمک می‌کنند. علاوه بر نکاتی که در بالا ذکر شد، متخصصین خلاقیت توصیه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنند:

کمک کنید فرزندان شما شخصیت خود را شناخته و به ارزش و توانائی آن پی ببرند، لذت خلاقیت را چشیده و آنرا تجربه کنند، رضایت خود را در مورد بیان احساس خود حس نمایند. اغلب یک کودک حس می‌کند که نمی‌تواند نظر ارزنده‌ای بدهد، در نتیجه، قادر نیست در نظری که دارد کنجکاوی نموده و آنرا تعقیب کند.

یکی از متخصصین می‌گوید: یک کودک نیاز دارد نظر خود را به طریقی بیان کند که مورد توجه قرار گیرد. والدینی که به نظریات فرزند خود، حتی به طریق محبت آمیزی، می‌خندند، یا آنکه پیشنهاد او را رد کرده و می‌گویند تو در این مورد چه می‌دانی و این نظریه ارزش ارائه

کردن ندارد، بزرگترین لطمه را به نیروی سازندگی کودک می‌زنند. از تمام مقامات مؤثر و با نفوذ هیچ فردی قدرتمندتر و زیانبخش‌تر از والدینی نیستند که کودک خود را تحقیر نموده و نظرات او را به هیچ می‌شمارند.

هر وقت که شما صلاح می‌دانید، بگذارید فرزندتان طرحی برای فعالیتها و کارهای خود، یا طرحی برای کارهای خانواده بریزد و در صورت امکان طرح خود را به مرحله‌ی اجرا درآورد. حتی یک کودک دو ساله می‌تواند تصمیم بگیرد پیک نیکی در پشت حیاط منزل ترتیب دهد یا آنکه طبق معمول نهار را در داخل منزل صرف کند. به یک کودک چهار ساله باید اجازه دهید اگر میل دارد بین لباسهای بازی که از لحاظ اندازه و قیمت شما در نظر گرفته‌اید، هر کدام را که میل دارد انتخاب کند. به کودک باید بعضی مواقع این فرصت داده شود که صورت عذائی را (چه نوع گوشت؟ چه نوع سبزیجات؟ چه موادی برای سالاد؟) جهت تعطیلات آخر هفته یا میهمانی تهیه کند.

دادن اجازه به کودک برای چنین تصمیم‌گیریها نه تنها این احساس را در وی به وجود می‌آورد که افکار او هم ارزش توجه را دارد، بلکه پی می‌برد که تصمیمات او، نتایجی را نیز در بر خواهند داشت اگر شما فرزند خود را به صورت شخصیتی شناخته و به وی احترام بگذارید، موجب می‌گردید که تعایلات استقلال طلبی وی منحرف نشده و راههای ناخوش آیندی را پیش نگیرد.

فرزند خود را تشویق کنید که به محیط خود بیشتر توجه کند، در مورد آنها سؤال کرده و آنها را بیازماید. بیشتر نظراتی که قبلاً در فصل ۶ در مورد علم و دانش داده شده، در این مبحث نیز مفید می‌باشد.

فعالیتهای علمی، موقعیتهای خوبی را برای فرزند شما فراهم می‌کند

تا او مطلع شود که تمام آزمایشات و تجربیات منجر به موفقیت نمی شود و عدم موفقیت در یک تجربه نیز به معنی یک شکست نیست.

برای خیلی از والدین مشکل است قبول کنند که فرزند، خود چیزی را بیاموزد. حتی خودش مستقلاً تکالیف مدرسه را انجام دهد. والدین میل دارند فرزند خود را از شکست حفظ نمایند.

البته این مهم است که در صورت لزوم، مانع شکست فرزند خود شوید. مخصوصاً اگر شکست مربوط به سلامت جسمی وی باشد. ولی تأکید زیاد در مواردی که از شکست نمی توان جلوگیری کرد، به فرزند آسیب بیشتری وارد می کند.

این تأکید حتی ممکنست موجب فساد ابتکار و تدبیر وی گردد. تمام اطفال کارها را با کوشش و اشتباه می آموزند. آنها باید شکست بخورند و بعد راه دیگری را انتخاب کنند و در صورت لزوم، باز هم روش خود را تغییر دهند. البته، آنها نیاز به هدایت دارند، ضمناً آنها نیازمند موفقیت در نتیجه ی تلاش و کوشش خود نیز می باشند.

اگر این راهنماییها به نظر شما خیلی توأم با خشونت است، مراحلی را که طی آن کودک ایستادن و راه رفتن را آموخته است، خود به خاطر بیاورید. چند مرتبه او شکست خورده و به زمین افتاده؟ چقدر او تلاش کرده و دنباله ی سعی و کوشش خود را رها نکرده است؟ چقدر مراحل مختلف راه رفتن را بدون کمک بزرگترهای خود آزمایش نموده است؟

با مفهوم سنتی کلمه ی آمادگی خود را به زحمت نیاندازید. و منتظر نشوید پس از مشاهده ی علائم آمادگی در کودک، کار دیگری را به وی عرضه کنید، چه این رویه به خلاقیت او آسیب می رساند.

دکتر تورنس می گوید: آمادگی، اغلب موجب عقب نگاهداشتن کودک است. ممانعت فرزند از بیم شکست انجام کاری، که می خواهد

انجام دهد بزرگترین مانع رشد خلاقیت در اوان طفولیت می‌باشد. توانائی مقابله با شکست و بی‌نتیجه ماندن کاری که شروع می‌شود از خصوصیات تمام افراد فوق‌العاده است. محققاً تمام دانشمندان خلاق اعم از مخترعین، هنرمندان، و نویسندگان کارهائی را شروع می‌کنند که انجام آن خیلی مشکل است. اگر سعی در انجام چنین کارهائی را نکنند، افکار بزرگ آنها هیچگاه به جهان عرضه نمی‌گردد.

فرزند خود را به بازی‌های سازنده دعوت کنید، البته این عمل نباید به صورت جلسات رسمی درس درآید، بلکه هنگام سوار بودن در اتومبیل، اطوکشی، یا معطلی در اتاق انتظار دندان‌ساز، می‌توانید این کار را انجام دهید.

برای مثال از وی بخواهید برای شما بگوید به چند طریق می‌تواند یک مداد را بکار برد. شما هم یا وی شرکت کنید و فکر کنید غیر از نوشتن به چند طریق می‌توان از یک مداد استفاده کرد، مثلاً یک پارو برای قایق اسباب بازی، یا محل نشستن برای قفس پرنده. سپس شیئی دیگری را جانشین مداد کنید و موارد بکار بردن آنرا بپرسید. از پاسخ‌های وی ابراز خشنودی نمایید.

از فرزند خود سئوالی بکنید که ناچار شود در مورد پاسخ آن سازنده و خلاق فکر کند. مثلاً از او بپرسید که شما چه خواهید کرد، اگر در مرکز فروشگاهی مفقود شوید؟ چکار می‌توانید بکنید که یک جشن تولد مفرح‌تر شود؟ ما با الواری که بدون استفاده در گاراژ افتاده چکار می‌توانیم بکنیم؟ چگونه می‌توانیم پی ببریم که کوتاه‌ترین راه به پارک کدام است؟ برای درست کردن درختان در اطراف اتاق عروسک، از چه می‌توانیم استفاده کنیم؟ چه می‌توانیم بکنیم که نقی آن قدر به اطرافیان آزار نرساند و سئوالهائی از این قبیل.

فرزند خود را تشویق کنید تجربیات دیگری انجام دهد. برای مثال از او سؤال کنید که از نگاه کردن به جوانه‌ی گیاهی که در کنار پنجره قرار گرفته و مشاهده تابش آفتاب به آن و سایه‌ای که درست می‌کند چه نتیجه‌ی علمی می‌توان گرفت؟

مادر سندی به قدری از این مسائل برای کودک پنجساله خود طرح کرده بود که هنگامی که سندی سوار اتومبیل می‌شد تا برای عمل لوزتین به بیمارستان برود، با صدای لرزان از مادرش سؤال می‌کرد. مادر آیا ما به بیمارستان می‌رویم که تجربه‌ی دیگر بیاموزیم؟

مادر از این سؤال به گریه افتاده و جواب گفت بله، می‌رویم تجربه دیگری بیاموزیم، ولی در مورد شما. قسمتی از این تجربه خیلی مطلوب نیست و شما احساس ناراحتی خواهید کرد. ولی دو راه برای این تجربه وجود دارد. شما وسائل تازه‌ای می‌بینید که برای شما جالبند، روشی که پزشک و پرستار با آن کارهای خودشان را انجام می‌دهند، نوع مخصوصی تختخواب، ماسکی برای تنفس که روی بینی تو می‌گذارند و به خواب می‌روی و بدین ترتیب از بیرون آوردن لوزتین ناراحت نمی‌شوی. شما مسائل جالبی در مورد بیمارستان و پزشکان می‌آموزید که مانع از این می‌شود که ناراحتی را حس کنید.

راه دوم اینست که به خود ترس راه دهید. که این راه خوبی نیست و نمی‌توانید متوجه مسائل جالب دیگر شوید. البته سندی لحظات ناراحتی را داشت، ولی پس از به هوش آمدن کنجکاوی خود را زودتر از آنچه که مادرش انتظار داشت، باز یافت.

توجه داشته باشید آیا فرزند شما مکان خلوتی در اختیار دارد که دور از گروه خانوادگی هر وقت که بخواهد کارهای مربوط به خود را انجام دهد. مهد کودک، کودکستان و مدارس فاقد چنین مکانی هستند.

فکر و ایده‌ی خوب همیشه در مغز شخص منفرد بوجود می‌آید. هر وقت کودک به تنهایی کار می‌کند مزاحم او نشوید، بلکه او را تشویق هم بکنید. این خود یک اصل است. بایستی این لحظات غیرقابل جبران را حفظ نمود.

کودک را تحریک کنید که نظر خود را دنبال کند. اغلب اختراعات خوب از آنجائی که مخترع آنها به خودش اعتماد ندارد یا آنکه نمی‌تواند خودش را کنترل کند از دست می‌روند. در سالهای قبل از دبستان، با سئوالهایی به شرح زیر می‌توانید کودک را تشویق بکار کنید: چگونه تصویری را که می‌کشید تمام می‌کنید؟ یا آیا دارید کلاهی درست می‌کنید که با این لباس فشنگی که درست کرده‌اید، متناسب باشد؟ بعضی مواقع می‌توانید پارچه‌های دیگری به او داده و بگویند، آیا من می‌توانم کمک کنم از این پارچه‌ها فرشی برای اتاق عروسک تو پیدا کنیم؟ یا آنکه من فکر ترا برای مرتب کردن منزل دوست دارم. اگر تو کمک کنی هم اکنون می‌توانیم همان گونه که تو می‌خواهی آنرا درست کنیم.

نگران نباشید اگر فرزند شما حکایت‌هایی از خود درست کند یا بازی‌های فوق‌العاده خیالی یا تقلیدی را ترتیب دهد. این خود قسمتی از مرحله‌ی رشد کودک است. شما باید خوشحال باشید که او تصورات سازندگی خود را بدین طریق به کار می‌گیرد. به او کمک کرده و بگویند که به هر یک از حکایت‌هایی که درست می‌کند برچسبی زده و آنها را با نامی مشخص سازد. شما می‌توانید همه حکایات کتابهایی که خوانده‌اید، چه آنهایی را که حقیقت داشته‌اند و چه آنهایی را که افسانه هستند برایش شرح دهید.

به فرزند خود بیاموزید که چگونه هرچیز را مرحله به مرحله انجام

دهد، محلی برای رشد تصورات و بکار افتادن افکارش بگذارید. البته این بدان معنی نیست که شما او را به حال خود رها کنید تا هیچ گونه راهنمایی و آموزشهای مقدماتی نداشته باشد. کودک شما باید روش به دستگرفتن قلم موئی و رنگ را بداند. او باید بداند که چگونه مداد یا قیچی را به دست گیرد. ولی اگر شما دست او را گرفته و برای مثال، با آن صورت اسبی را بکشید، یا آنکه نقشی را که شروع به کشیدن نموده و شما از وی گرفته و خود آنرا تمام کنید حس سازندگی را در وی خاموش می کنید.

اگر پی می برید که فرزند شما نیاز به کمک دارد، این کمک را به صورت طرح کردن سئوالاتی از وی ارائه دهید. مثلاً اگر کودک تصویر اسبی را می کشد، از وی سؤال کنید که آیا اسب به جایی می رود؟ آیا کسی همراه اسب می باشد؟ آیا این فرد می خواهد سوار اسب شود؟ اگر کودک از تصویری که کشیده ناراضی است و از شما کمک می خواهد. به وی بگوئید که حالا هر دو تصویر اسبی را پیدا کنیم، ببینیم کجای تصویر بایستی اصلاح شود (خودتان دخالتی در نقاشی نکنید).

اگر فرزند شما مشغول نوشتن حکایتی است، شما می توانید به او بگوئید که من میل دارم بیشتر در مورد این دزد دریائی چیزهایی بدانم. فکر می کنی این سفینه ی فضائی از کجا آمده است؟ تو فکر می کنی که آن کودک هنگامی که بوسیله ی غول از زمین ربوده شد، چه حالی داشت؟

با تمرین و مشاهده ی کارهای کودک و تشویق و تقویت افکار سازنده ی وی به نحو شایسته ای می توانید مهارت وی را افزایش دهید.

البته کودک برای اینکه فرد سازنده ای باشد نیاز به وسایل مختلف از قبیل مداد، کاغذ، چوب، اره، قیچی، جعبه ی شنی، رنگ، سنگ، خاک

و غیره دارد.

بایستی شما مقرراتی برای نظافت، پس از پایان کار، وضع کنید. ولی بایستی بدانید به هیچ کودک یا فرد بالغ نظیفی جایزه‌ی نظافت داده نشده است. تنها افراد مخترع، دانشمند، مکتشف، هنرمند و غیره هستند که به دریافت جوایز نائل می‌شوند، بنابراین از کثیف کردن اتاق بازی کودک و یا دست و صورت او ناراحت نشوید.

تلاشهای سازندگی کودک را به وسیله تشویق، اظهار علاقه، شرکت در شادی درونی وی، ارزش دادن به کاری که انجام داده، حتی اگر در سطح افراد بالغ نیست، ارج نهید. تعجب و شادی شما از آنچه که کودک بوجود آورده یا فکر کرده، یا گفته است موجب تشویق او است. از طرفی، بی تفاوتی شما جرقه‌های سازندگی ذاتی را در وی خاموش می‌کند.

از سازندگی خود لذت ببرید و آن را با فرزندتان در میان بگذارید. در مورد رنگی که برای اتاق نشیمن در نظر گرفته‌اید با او صحبت کنید، از اثر و بهره‌ای که می‌خواهید از باغچه خود ببرید، او را در حل مسئله‌ای که به تازگی تمام کرده‌اید مطلع کنید. بگذارید کودک شما بداند که کارهای سازنده شما هم خیلی فوق العاده نیست. به او بگویند گرچه این کارها زیاد مهم نبوده، ولی لااقل من چیزی آموختم. بدین ترتیب فرزند شما پی می‌برد که نیازی به موفقیت قطعی انجام طرح در پایان آن ندارد بلکه تجربه به وی چیزهایی خواهد آموخت.

محققین عقیده دارند تمام اشکال سازندگی و خلاقیت، حتی علمی و مهندسی، به هم ارتباط دارند. تحریک فرزند به کار کردن با مواد هنری و صنعتی، موجب رشد حساسیت، ابتکار، انعطاف قدرت تخیل وی در تمام رشته‌ها می‌گردد.

اطلاع از نحوه‌ی نظارت و نظردادن نیز، خود هنر سازنده ایست. اگر شما عکس العمل‌های کودک را در قبال پیشنهادات و نظرات خود بررسی کنید، از طرز تشویق وی در کارها و ابتکاراتش آگاه خواهید شد و این خود دلیل عمده‌ای بر اطلاع از نیاز کودک به نوع محرک و انگیزه‌های سازندگی است. شما در موقعیتی هستید که او را از هر آموزگار دیگری بهتر می‌شناسید و بهتر می‌توانید با او کار کنید.

شما البته بایستی کودک را در نحوه‌ی بکار بردن وسایل کار، راهنمایی کنید. ولی اصرار نکنید در نقاشی، حتماً آسمان را به رنگ آبی رنگ کند. چونکه آسمان آبی رنگ است. یا خودتان عکس سگی را که او نقاشی کرده به صورت بهتری تغییر دهید. اگر شما به نحوی پسندیده ایراد او را گوشزد کنید، مسلماً موجب تحریک او در پیشرفت کاری که انجام می‌دهد می‌گردید. ولی البته به سبب کاری که فرزند شما انجام می‌دهد راهنمایی‌های شما باید صمیمانه، جذاب و صریح باشد.

مواد و وسائلی که فرزند شما برای انجام کارهای هنری لازم دارد، خیلی بیش از مداد و کاغذی است که در اختیار وی می‌گذارید. گرچه این دو اولین وسائلی است که کودک کار خود را با آنها شروع می‌کند. هنرهای خلاق ممکنست با وسایل زیر الهام گیرند.

— یک بسته صفحه کاغذ سفید مقوایی، برای تزیین آنها با مدادهای رنگی. برای ساختن قاب‌های عکس، برای ساختن ساعت و نوشتن اعداد ۱- تا ۱۲ روی آن و نصب عقربه یا نصب زنگهای کوچک به اطراف آن و درست کردن دایره زنگی.

— پوست‌های گردو، پسته، بادام و فندق برای نقش صورت با مرکب روی آنها.

— دستمال‌های کاغذی رنگی برای درست کردن تشک، لحاف، درست

- کردن لباس عروسک، درست کردن گل و غیره.
- کاغذهای بزرگ روغنی برای طرح خیابانهای همسایه. کودک را تشویق کنید خانه‌های اطراف را که می‌شناسد نیز روی کاغذ نقاشی کند و چند کامیون کوچک و سایر وسایل روی آن قرار دهد.
- کاغذهای رنگی برای درست کردن بلیط‌های پارکینگ، قطار، اسکناس و غیره.
- کاغذهای بزرگ که برای بسته بندی مصرف می‌شود. برای درست کردن کاغذهای دیواری با نقش‌های مختلف.
- خاک رس مجسمه سازی برای کارهای مجسمه سازی و وسایل دیگر.
- مدادهای رنگی برای نقاشی یا گذاردن کاغذی روی اشیاء برجسته مانند سکه و کشیدن مداد رنگی روی کاغذ و آشکار ساختن نقش سکه.
- به ابتکار خود وسایل بسیار زیاد و طرح‌های فراوانی می‌توان در اختیار کودک قرار داد که ذوق هنری خود را ارضاء نماید.
- زندگی کودک را با وسایل موسیقی رونق دهید. تاریخ موسیقی نشان داده که بعضی از افراد برجسته این فن، کار با موسیقی را از سه سالگی شروع نموده‌اند. ولی البته در خانواده آنها موسیقی دان ماهری هم بوده که کودک ذوق هنری را از وی به ارث برده است، معه‌ذا مشغول شدن با ادوات موسیقی قدرت خلاقیت را تقویت می‌کند.
- فرزند شما از بکار بردن ادوات ساده‌ی موسیقی لذت می‌برد و همچنین وسایل الکتریکی موسیقی یا وسائلی که به طریق مکانیکی و با کوک کردن بکار می‌افتند موجب شادی وی می‌گردد. البته اگر تهیه‌ی آنها برای والدین مقدور باشد.
- یک گرامافون که کودک شما بتواند بکار بیاندازد و صفحه‌ی

منخصوصی که در اختیار دارد موجب نشاط و شادی وی می‌گردد.

شما به طور قطع پس از آوردن نوزاد از بیمارستان به خانه، برای وی لالائی خوانده‌اید به تدریج می‌توانید آوازهای مختلفی را به لالائی اضافه کنید. کودک دوست دارد بتواند آهنگهایی را به زبان مادری یا خارجی بشنود.

بسیار مهم است قبل از آنکه کودک کلاس اول را شروع کند قدرت سازندگی در وی بوجود آمده باشد، چه پس از شروع بکار گروهی در کلاس و اطاعت از گفته‌های آموزگار، ایجاد آن مشکل است. شاید کودک شما در دبستان با آموزگاری سر و کار داشته باشد که از نحوه‌ی تحریک سازندگی در اطفال مطلع باشد، ولی این آموزگار بایستی بیست و پنج کودک را اداره کرده و آنها را آموزش دهد بنابراین مقدمات او، هیچگاه مانند والدین نخواهد بود. فشار همشاگردیها نیز مانع پرورش این استعداد در کودک می‌باشد مگر اینکه قبلاً این حس در وی بوجود آمده باشد.



شما می‌توانید نظر و افکار منتسوری را در منزل پیاده کنید

بیشتر کودکان چه می‌خواهند بکنند؟ آنان باید بیاموزند.

مدارس منتسوری باید به کودکان چه بیاموزند؟ خواندن، نوشتن، درک مفاهیم ریاضی، رعایت انضباط، اتکاء به خود، حفظ نزاکت، نظم و ترتیب و عشق به آموختن.

چرا؟

برای اینکه سالهای بین سه و شش سالگی زمانی است که بیش از همیشه مغز در حال رشد کودک می‌تواند به آسانی و شادمانی مطالب را جذب کند.

این عقیده، که پایه تحقیقات و بررسیهای بسیار زیادی را در مورد آموزش قبل از دبستان، تشکیل می‌دهد در اوائل سالهای ۱۹۰۰ توسط دکتر ماریا منتسوری با موفقیت درخشانی مورد آزمایش قرار گرفت. پس

از آنکه این روش مدتی در امریکا به محاق فراموشی سپرده شده بود، مجدداً در سالهای ۱۹۶۰ توسط آموزگاران و والدین، که آنرا روش بسیار عملی برای آموزش خردسالان تشخیص داده بودند، حیات گرفت. برای اینکه نه فقط طی نیم قرن گذشته دکتر منتسوری به تعدادی از این افکار سر و صورتی داد، بلکه آنها را به صورت بهترین روش آموزشی روز، برای خردسالان در آورد.

یکی از متخصصین نظر داده که آموزگاران بایستی بپذیرند که آنها هم اکنون بیشتر نظرات دکتر منتسوری را برای آموزش خردسالان اعمال می کنند. برای مثال: وسائل زیر زائیده افکار منتسوری می باشد: اثاثیه و مبلمان مخصوص کودکان، اسباب بازیهای آموزشی، پازل های مختلف، آموزشهای برنامه ریزی شده و خیلی وسائل دیگری که اکنون در کودکانهای مدرن بکار برده می شود.

امروزه بهترین روش عملی برای تحریک رشد فکری خردسالان روش دکتر منتسوری می باشد. هنوز مطالب و مفاهیم زیادی در کتب دکتر منتسوری وجود دارد که شما می توانید آنها را استخراج نموده و برای آموزش فرزند خود در منزل بکار ببرید، اعم از اینکه تصمیم داشته باشید او را به مدرسه منتسوری بفرستید و یا نفرستید.

اولین شغل دکتر ماریا منتسوری پس از فارغ التحصیل شدن دانشکده ی پزشکی رم در سال ۱۸۹۴ کار کردن با اطفالی بود که از لحاظ فکری عقب مانده تشخیص داده شده بودند. برنامه آموزشی ای که وی برای بالا بردن قدرت آموختن این کودکان ترتیب داده بود به قدری موفقیت آمیز شد که نمره تعداد زیادی از آنها هنگام انجام آزمایشات دبستانی، معادل اطفال عادی گردید و تعداد دیگری حتی از آنها هم پیشی گرفتند. دکتر منتسوری نزد خود این سؤال منطقی را مطرح ساخت

که: ما در مورد کودکان معمولی چه روش غلطی را در پیش می‌گیریم که کودکان عقب افتاده از آنها پیشی می‌گیرند؟

اولین دکتر ایتالیائی، با اشتیاق تمام، سرپرستی یکی از مهدکودک‌های ایتالیائی را در منطقه فقیرنشینی که والدین آنها مشغول بکار بودند به عهده گرفت. دکتر متسوری در این مدرسه موقعیتی بدست آورد تا نظریه‌های خود را در این مورد که چگونه مغزهای کودکان خیلی کوچک، آموزش را فرا می‌گیرند آزمایش نماید.

ساکنین این منطقه به قدری فقیر بودند که منت، وری به مادران آنها گفت که فقط نان و آب برای سدجوع دارند باید نان را گرم کرده و به جای آب هم سوپ تهیه کنند. در برنامه همچنین گنجانیده شد که چگونه خود و فرزندان خود را حمام دهند.

در این منطقه و ساکنین این کوچه‌های مخروبه بود که دکتر ماریا متسوری فلسفه و تکنیک معروف آموزشی خود را به وجود آورد تکنیکی که قابل انطباق با هرگونه سیستم اجتماعی و اقتصادی است. اصولی که از بررسیها و آزمایشات انجام شده به وجود آمدند، عبارتند از:

۱- یک کودک برخلاف فرد بالغ در جریان دائم رشد و تغییر می‌باشد، تغییراتی که در وی صورت می‌گیرد می‌تواند کاملاً تحت تاثیر محیط اطراف قرار گیرد.

۲- یک کودک خردسال می‌خواهد بیاموزد، وظیفه فرد بالغی که کودک را دوست دارد، عبارت از اینست که کودک را تشویق کند، موقعیتهای آموزشی برای وی فراهم آورد به او اجازه دهد که خودش یاد بگیرد.

چه کسی نمی‌داند که آموزش غذا خوردن و لباس پوشیدن به کودک، چقدر کسالت آور و مشکل است. برای شخص راحت‌تر است

که خودش کودک را غذا بدهد، شستشو کند و لباس بپوشاند. ولی روش اول یعنی آموزش کارهایی که گفته شد، وظیفه یک مربی و آموزگار است و روش دوم وظیفه مستخدم. روش دوم گرچه برای مادر آسان تر است، ولی برای فرزند خطرناک است، چه موانعی در راه زندگی در حال رشد وی، قرار می دهد.

۳- حتی مغز یک کودک کوچک، ظرفیت عظیمی برای آموختن کارهای متنوع دارد اگرچه، کودک نمی تواند این تواناییهای خود را بیان کند. مهمترین سنین زندگی دوران تحصیل در دانشکده نیست. بلکه دوران تولد تا شش سالگی است. چه این دوره ایست که هوش و استعداد کودک پی ریزی می شود.

۴- یک کودک اولین مطالبی را که می آموزد از محیط اطراف کسب می نماید. برای تقویت این یادگیریها باید محیط اطراف وی به شکلی ترتیب داده شود که او بتواند آزادانه کارهایی را که دوست داشته و استعداد بهتری برای آنها دارد، انتخاب کند.

۵- طفل خیلی کوچک، مطالب زیادی را از طریق حرکات می آموزد، از این رو، حرکات وی نباید به هیچ وجه، محدود شود مگر آنکه برای سلامتی جسمی وی زیان آور باشد. او نیاز زیادی دارد به اطراف حرکت کند، کشف کند و از طریق کلیه حواس پنجگانه اش بیاموزد.

۶- یک طفل خردسال در مراحل مختلف رشد مطالب مختلفی را که مقتضی آموختن در آن مرحله است فرا می گیرد مانند صحبت کردن، راه رفتن و غیره.

دکتر منتسوری می گوید: کودک در هر مرحله، استعداد ویژه یادگیری مطلب معینی را دارد که بعداً از بین می رود. بدین جهت است

که در ادوار مختلف زندگی، علاقه و توجه مخصوص به بعضی اشیاء و مناظر اطراف خود دارد و اشیاء دیگر مورد توجهش قرار نمی‌گیرد.

۷- فعالیت‌های احساسی، نقش عمده‌ای را در فراگیری کودک انجام می‌دهند. کودک هرچه موقعیت بیشتری برای ارضاء محرک‌های احساسی مغز در حال رشد خود داشته باشد، به همان نسبت هوش وی رشد بیشتری خواهد داشت.

۸- بهترین فراگیری کودک آنست که در محیط آزاد، همراه با نظمه و انضباط شخصی انجام شود. کودک بایستی در محیط یا کلاس آزاد باشد که به طرف شیء مورد علاقه خود برود، به اطراف حرکت کند و برحسب سلیقه‌ی خود فعالیت نماید. ولی آزادی بدون انضباط شخصی و رشد مهارت که طفل را از کمک والدین بی‌نیاز کند، نمی‌تواند وجود داشته باشد. بایستی حدی هم برای حقوق دیگر اطفال برقرار گردد.

۹- آموزگار نباید آموختن مطلبی را به کودک تحمیل کند، او نباید در آنچه که طفل خود مشغول آموختن است مداخله نماید. آموزگار نباید اراده خود را جانشین میل و اراده کودک کند و مانع رضایت طفل از کاری که خودش میل دارد انجام دهد، شود.

۱۰- یک کودک بایستی آزاد باشد تا با همان سرعت یادگیری که توان آنرا دارد پیش برود. نباید به وی فشار وارد شود تا با سرعتی که دیگران پیش می‌روند، همپا شود، یا صبر کند دیگران به او برسند.

۱۱- با انجام موفقیت آمیز هر کاری، احساس ارزنده‌ای در کودک بوجود می‌آید. حال چه اینکار، پاک کردن میز، یا کارهائی از قبیل آن باشد.

۱۲- اگر هنگامی که کودک آماده‌ی آموختن است به او آموزش داده شود، نه تنها هوش وی تقویت شده و رشد می‌کند، بلکه رضایت، شادی، اعتماد به خود و میل به آموزش بیشتر نیز در وی بوجود می‌آید. بیشترین موفقیت دکتر منتسوری، در آموزش اطفال، در این منطقه فقیرنشین ایتالیا، کسب شد و موجب جلب محققین، آموزگاران و دانشمندان در سال ۱۹۱۰ برای بازدید از مدرسه وی گردید. در نتیجه روش وی به سرعت در کشورهای اروپا و سپس هند انتشار یافت. در آمریکا نیز شروع به آموزش و دنبال کردن این متد گردید، ولی به علت عدم کفایت آموزش آموزگاران متوقف شد.

دکتر منتسوری به متد آموزشی خود تا هنگام مرگش در سال ۱۹۵۲ ادامه داده و روش تدریس وی با موفقیت روبرو بود. در اواخر سال ۱۹۵۰ محدوداً روش منتسوری متخصصین آموزشی آمریکا را به خود جلب نمود و تحقیقات دانشمندان آن سرزمین اهمیت این روش را به ثبوت رسانید.

در سالهای اخیر، مدارس منتسوری در آمریکا به سرعت توسعه یافته و به وسیله گروه والدین فارغ‌التحصیل دانشگاه که تشخیص داده‌اند، کودکان آنها برای تحریکات فکری به وسائلی بیش از مهره و اسباب بازیهای معمولی نیاز دارند، اداره می‌شوند. بزرگترین مانع توسعه‌ی این مدارس، فقدان آموزگاران واجد شرایط بود که اخیراً با طی دوره‌های تخصصی این مدرسه، مرتفع گردیده است.

موفقیت آشکار مدارس منتسوری در سالهای اخیر، موجب تجدید نظر در روش آموزش سنتی خردسالان گردید. بعضی از آموزگاران هنوز هم با روش منتسوری موافق نیستند. بعضی هم عقیده دارند که تمام نظریه‌های منتسوری، از مدتها قبل، در برنامه‌های مهد کودک منظور گردیده است.

این گفته صحیح است که بعضی از وسائل مدارس منتسوری، امثال پازل‌ها و مبلمان بچگانه جزء وسائل مهد کودک‌ها گردیده است، ولی به گفته یکی از کارشناسان مهد کودک‌ها وسائل مدرسه منتسوری را گرفته‌اند، بدون آنکه طرحی را که این وسائل به آن منظور درست شده و یا اینکه در چه مورد باید بکار برده شوند، مورد توجه قرار دهند. مهد کودک‌ها فاقد مفاهیم منتسوری در مورد دورانهای حساس، قدرت جذب مغز، آزادی کودک در انتخاب کاری را که دوست دارد شخصا انجام دهد و اهمیت کار فکری در سنی که کودک آماده‌ی آموختن آن می‌باشد، هستند.

بین پیروان مکتب منتسوری نیز تضادهایی به وجود آمده و آنها را به دو گروه تقسیم نموده است. گروهی که عقیده دارند، نظرات منتسوری بایستی با کمال دقت رعایت شود و گروه دیگر که ضمن رعایت آن نکات، مقداری نیز هنر، موزیک و فعالیتهای سازنده و خلاق به برنامه‌های منتسوری افزوده‌اند.

به استثناء سن اطفال، تقریباً تمام وسائلی که در مدرسه منتسوری وجود دارد با آنچه که در یک مهد کودک معمولی یافت می‌شود فرق می‌کند. بایستی گفت همه چیز در مدرسه منتسوری از رنگهای وسائل آموزشی گرفته تا آهنگ صدای آموزگار و مدیر مدرسه که موجب تحریک حس یادگیری کودک است، طبق نظرات دکتر منتسوری طرح ریزی گردیده‌اند.

برای مثال، وقتی که اریک^۱ چهار ساله داخل مدرسه منتسوری می‌شود، با آویختن پالتوی خود به جا لباسی، صبح را شروع می‌کند. بدین ترتیب که پالتو خود را ابتدا به روی میز کوتاهی پهن می‌کند، سپس

رخت آویزی داخل پالتو کرده و دکمه‌های پالتو را می‌بندد، بعداً پالتو را به جا لباسی کوتاه می‌آویزد. او این روش را از طریق یک برنامه آموزشی که آویختن لباس را به مراحل کوچکی تقسیم نموده، آموخته است. منظور از این روش آموزشی، این بوده که در یک طفل خردسال، میل شدید به انجام کارهای شخصی، بدون گرفتن کمک از افراد بالغ و متکی به استقلال فردی را ارضاء کند.

کودک سپس کفشهای خود را با کفش راحتی اتاق خواب، که با آن بیشتر احساس راحتی می‌کند و ضمناً سر و صدا در اتاق نیز کمتر می‌شود، تعویض می‌نماید.

پس از گفتن یک صبح به خیر سریع به مدیر، اریک آزاد است هر یک از وسائل آموزشی را که دوست دارد انتخاب کند. این وسیله را هر چقدر که میل دارد می‌تواند نگاهدارد. هیچ وقت او را وادار نمی‌کنند کودک دیگری هم که همان وسیله‌ی آموزشی را دوست دارد با خود شرکت دهد. فعالیتی که انجام می‌دهد مانند یک کار مورد احترام است و به هیچ کودک دیگری اجازه‌ی مداخله در آن داده نمی‌شود، برخلاف مهد کودک‌های دیگر که به شرکت در بازی دیگر کودکان تاکید می‌شود.

در یک مدرسه منتسوری، آموختن یک کار مستقل است، کاری گروهی نیست، هر کودکی با سرعت مخصوص به خود کار می‌کند و به علت علاقه شخصی، با هر وسیله‌ای که دوست دارد مشغول می‌شود. با کودک دیگر نظر هم چشمی ندارد. جلو او را نمی‌گیرند و یا به او فشار نمی‌آورند تا همراه گروه پیش برود.

فرد بالغی که مسئول اداره‌ی کلاس در مدرسه منتسوری می‌باشد، به عوض آموزگار مدیر خوانده می‌شود تا به روی اختلاف وظیفه‌ای که با

آموزگار دارد تاکید شود. وظیفه او به وجود آوردن محیطی است که کودک در آن محیط بتواند بیاموزد، خودآموزی اطفال را رهبری کند، و به سئوالات آنها پاسخ گوید. این مدیر آموختن را به کودک تحمیل نمی‌کند بلکه انگیزه‌ای در او ایجاد می‌کند که شوق خودآموزی را در وی ایجاد نماید. او به ندرت از موفقیت کودک تقدیر می‌کند، برای اینکه کودک به دنبال رضایت شخصی از کاریکه انجام داده است باشد، نه تقدیر دیگران.

اریک چند دقیقه به آرامی به گرد کلاس راه می‌رود. سپس یک قطعه فرش کوچکی را برداشته و آن را در گوشه‌ای پهن می‌کند و یک دسته چوب که به رنگهای سفید و قرمز رنگ آمیزی شده انتخاب کرده و با آنها یک مسئله‌ی تفریق را طرح می‌کند. پس از آنکه چوبها را مرتب کرد شماره‌های مقوائی که روی آنها اعداد نقش شده برداشته و عمل تفریق را با آنها نشان می‌دهد.

جین^۲ سه سال و نیمه با ظرف پلاستیکی آب تمیزی را از ظرف بزرگ محتوی آب برداشته و با اسفنجی که به دست گرفته، روی میزی را تمیز می‌کند. پس از آنکه کارش تمام شد، آب کشیف را در ظرف مخصوص می‌ریزد.

توی^۳ یک پازل را که نقشه جهان به روی آن طرح شده، از هم جدا کرده و مجدداً آنها را به جای خود گذارده و اسامی کشورها را زیر لب زمزمه می‌کند. دو کودک پنج ساله به آرامی برای خودشان می‌خوانند. کودک دیگر کلمات را در دفتر یادداشت خود می‌نویسد.

مارسیا^۴ سه ساله قطعات چوبهای رنگی را برداشته و با آن مشغول ساختن برج است. مانند تمام وسائل موجود در مدارس منتسوری، این

وسائل خود به خود نحوه‌ی بکار بردن خود را آموزش می‌دهند. کودکی که آنها را بکار می‌برد، خود می‌تواند تشخیص دهد چه وقت کارش صحیح است، چه وقت اشتباه دارد و باید تصحیح شود.

وقتی که کودکی کار خود را تمام کرد، لبخندی زده، دو یا سه دقیقه به آن نگاه کرده، سپس وسائل را جمع آوری نموده و در محل خود قرار می‌دهد. پس از آن، کار دیگری را انتخاب و شروع می‌کند. بعضی مواقع مدیر کنار فرش او توقف کرده و کار وی را ملاحظه می‌کند، ولی معمولاً رضایت باطنی کودک، تنها جایزه و مشوق وی می‌باشد.

پس از آنکه کودک آن نود دقیقه به کارهای دلخواه خود تمرکز دادند. مدیر، روی باندهای بیضی شکلی که در وسط کلاس رسم شده شروع به راه رفتن می‌کند. اطفال غیر از آنهایی که هنوز سرگرم کار خود هستند. وی را دنبال می‌کنند. در این حال، مدیر تمرینات بدنی برای تقویت عضلات به آنها می‌دهد و ضمن آن، همگی دو آهنگ به زبان فرانسه و بازی شمارش را به همان زبان انجام می‌دهند.

سپس بازی سکوت شروع می‌شود. کودکان اطراف باندهای بیضی نشسته، چشمان خود را بسته و هرچقدر می‌توانند خود را بی‌حرکت نگاه می‌دارند. بازی سکوت به دو منظور انجام می‌شود. یکی آنکه کودکان پیشرفت خویشتن داری خود را نشان داده و دیگر آنکه، حساسیت شنوایی خود را افزایش دهند.

پس از آنکه همه چیز آرام و ساکت شد، مدیر هر شاگرد را به آرامی با اسم صدا می‌کند. یک به یک شاگردان با نوک پنجه بی‌صدا به طرف میز کوچک خود رفته، صندلی را از زیر آن بدون صدا خارج کرده و به آرامی روی آن می‌نشینند.

مدیر چنین بیان می‌کند: ما به اطفال می‌آموزیم که ساکت باشند، نه